متن فارسی نوی آغازی به خط سریانی

دو متن از ترفان

نیکلاس سیمز - ویلیامز

ترجمهٔ فهیمه شکیبا

چکیده: مجموعهٔ بدست آمده از ترفان قطعاتی از دو نسخهٔ خطی فارسی‌نو آغازی به خط سریانی را در بر می‌گیرد. یکی از دستنویس‌ها زبور دو زبانه (سریانی و فارسی نو) و دیگری کتاب راهنمای داروشناختی است. دستنویس دوم نسخه‌هایی مشابه کتاب سریانی دربارهٔ پزشکی را، که ای. ایْ. بادج (E. A. Budge) منتشر کرده است، شامل می‌شود. در هر دو متن مذکور، از نشانه‌هایی استفاده شده است که سریانی نیستند. برخی از این نشانه‌ها در نوشته‌های سغدی نیز به کار رفته و برخی، صرفاً برای نوشتن زبان فارسی به خط سریانی استفاده شده است. متن سریانی قطعات زبور از ترجمهٔ پشیتا (peshitta) است. ترجمهٔ این متن، برای فهم تلفظ واژه‌های زبان فارسی، اهمیّت زیادی دارد. قطعات متن داروشناختی، علاوه بر واژه‌های عجیب و غیر معمول فراوان، نشانه‌های عددی نادر و مربوط به خط سریانی را، که برگرفته از آرامی باستان است، شامل می‌شود.

واژگان کلیدی: فارسی نوی آغازی، خط سریانی، مجموعهٔ ترفان، زبور سریانی، داروشناسی سریانی، نشانه‌های عددی سریانی

دو نسخه از زبور دو زبانه[1]

اولین بار، ف. و. ک. مولر (F. W. K. Müller) مجموعهٔ ترفان را، که شامل زبور دو زبانه فارسی نو و سریانی است، در سال ۱۹۱۵ معرفی کرد. او قسمت بالایی نسخهٔ مضاعف قطعهٔ TII B 57 را تصحیح و منتشر کرد که اکنون در «موزه هنرهای آسیایی» (پیشتر موزه هنرهای هندی) در برلین با شماره MIKII/112 ثبت شده است. طی چند سال اخیر، قطعه دیگری از چند نسخهٔ مضاعف را، TII B 64 [NO.4] (شماره: SyrHT153)، و. زوندرمان (W. Sundermann) در کتابخانهٔ دولتی برلین غربی پیدا کرد. ضمیمهٔ این قطعه نسخهٔ دوم آن را، که اکنون گوشه پایینی‌اش از بین رفته است، کامل می‌کند. زوندرمان در مقاله خود، که در ۱۹۴۷ چاپ کرده، این نسخه را تصحیح نموده است. او کار مولر را مجدداً بررسی کرد و آن را با قطعهٔ تازه کشف شده همراه کرد. زوندرمان اصلاحات و بازنگری‌های بسیار ارزشمندی روی دستنویس انجام داده است، اما

این مقاله ترجمه‌ای است از:
Sims-Williams, Nicholas 2011, "Early New Persian in Syriac script: Two texts from Turfan," Bulletin of the School of Oriental and African Studies, vol. 74 , Issue 03, pp. 353-374.

یادداشت‌های اندکی روی نسخه اول، که مولر آن را کارکرده بود، نوشته است. علت این امر صرفاً این نیست که قطعه TIIB قسمت کمی از حاشیهٔ داخلی این نسخه را به همراه بخشی از حروف ابتدای صفحهٔ R10 و حروف پایانی صفحهٔ V9-10دربر می‌گیرد، بلکه بدین علت نیز هست که روش آوانویسی و حرف‌نویسی درهم مولر ترجمهٔ متن را شدیداً سخت و دشوار ساخته است. به هر حال، بیشتر از آن جهت متأسفیم که تصحیح‌های بسیار مفیدی که زوندرمان روی نسخهٔ دوم انجام داده، به علت اشکالات چاپی فراوان، ناخوانا شده است. به دلیل یکدستی متن و اهمیت آن در تاریخ زبان فارسی، پیشینهٔ خط سریانی و سابقهٔ کلیسای مسیحی در آسیای مرکزی، ویراستی جدید به همراه ترجمه‌ای کامل از متن را اینجا آورده‌ام.

نسخهٔ مضاعف زبورهای ۱۳۱. ۱۸- ۱۳۲. ۱، ۱۳۳. ۱-۳ و ۱۴۶. ۵- ۱۴۷. ۷ را (بنابر شماره گذاری پشیتا) در بر می‌گیرد، در حالی که متن شماره و عنوان زبورهای ۱۳۲، ۱۳۳ و ۱۴۷ را شامل می‌شود.[۲] همهٔ قسمت‌ها، به جز قوانین Mar Aba، با جوهر قرمز نوشته شده‌اند. عنوان‌های قرمز شمارهٔ مصراع‌ها (petgāme) در هر زبور و نیز آغاز marmitā جدید (تقسیمات فرعی زبور) را با زبور ۱۴۷ نشان می‌دهد.[۳] یادداشت‌هایی که در حاشیه‌ها نوشته شده است با یادداشت‌های زبوری که امروز در «کلیسای شرقی»[۴] به کار رفته است دقیقاً مطابقت دارد.

متن فارسی به خط سریانی نوشته شده، در حالی که برخی از حروف غیر سریانی و علائم قراردادی نیز در آن به کار رفته است.[۵] برخی از این حروف و علائم قراردادی با حروفی که در متون سغدی به خط سریانی به کار رفته یکسان است. خصوصاً، کاربرد[۶] Ṣadhe<c>، برای نشان دادن [č] و [ǰ]، و حرف جدید [f] (تصحیح به پ) و <x> (تصحیح به کف)، برای نشان دادن [f] و [x]، دیده شده است. از آنجا که واج [ž] در فارسی نادر است، در این متن نیز هیچ واژه‌ای با حرف ž به کار نرفته است. بنابراین نبود حرف [ž] سغدی (تصحیح به زین) احتمالاً موردی تصادفی است. از سوی دیگر، حروف قف <q> ، طث <ṭ> و e‛ <‛> تنها در واژه‌های سریانی استفاده شده و در متن سغدی برای واج‌های[k]، [t] و γ به کار نرفته درعوض، [k] با کف < K > و [t] با تاو نوشته شده و [γ]، که به گمل تصحیح شده، اینجا [ğ] حرف نویسی شده است. همان‌طور که پیشتر و. ب. هنینگ (W. B. Henning) اشاره کرده است، تصحیح گمل فقط در کتیبهٔ ترفانی شناخته شده، به زبان فارسی نو و خط سریانی دیده می‌شود یعنی همان کتیبهٔ داروشناختی که ناقص باقی مانده و در بخش دوم این مقاله منتشر شده است.[۷] ظاهراً پیش از این حداقل در یک متن سغدی این واژه به کار رفته، اما اکنون متن گم شده و فقط با حرف نویسی اولاف هانسن (Olaf Hansen) به وجود آن پی می‌بریم.[۸] دربارهٔ واج‌های سایشی، [δ] با دلث سریانی و یک نقطه زائد در زیر آن (rukkākā) نشان داده شده است.[۹] این درحالی است که [v] به بیث تصحیح شده و اینجا با <β> حرف‌نویسی شده است. این حرف، که متمایز از b است، پیش از این دیده نشده و ظاهراً فقط در کلمهٔ بابل، که تلفظش به فارسی bᵃ’βᵉl وb’βl (درکنار b’bl) بوده و واژه‌ای که به صورت bbl سریانی (املای سریانی متن دو زبانه) نوشته شده، دیده می‌شود و بدون تردید تلفظش [bāvēl] یا [bāvĕl] بوده است.

همانطور که پیش از این زوندرمان اشاره کرده، حرف <ḥ> حث، در قسمت فارسی متن دو زبانه، برای حرف عربی ḥā (که فقط در ḥᵃd [(ḥad(d] «حاشیه، لبه» دیده شده) به کار رفته است. احتمال می‌رود که حرف قف <q> برای [q] فارسی-عربی استفاده شده باشد. اما، در این مورد، فقط واژهٔ sāq «ساق پا» را با حرف g، به صورت[sāg-hā] s’ghᵃ «ساق‌ها»، نوشته‌اند که احتمالاً بر واکبر کردن یا خنثی‌کردن جایگاه پایانی واژه دلالت دارد.[۱۰]

ویژگی برجستهٔ این کتیبه، تلفظ نسبتاً دقیق، سیستم آوایی مشخص (حروف الف، وو، یوذ) و نقطه‌هایی است که در بالای واژه‌ها آمده است: [ā] با حرف (’) الف نشان داده شده است و معمولاً، با نشانهٔ (ᵃ یا ᵃ) zqāpā همراه است. این در حالی است که حرف [ă] با (a) ptāḥ.ā نوشته می‌شود و در جایگاه آغازی با الف (ǎ) همراه است. [ĕ/ē] با (ᵉ) zlāmā qašyā، با <یوذ> (yᵉ/ ᵉy) یا (به ندرت) بدون آن یا با الف (ᵉ / ᵉ) نشان داده شده است. همچنین، [ĭ/ī] با [yⁱ] h.bās. ā، در جایگاه آغازی همراه الف (yⁱ) آمده، [ŏ/ ō] با (wᵒ) rwāh.ā و [ū/ŭ] با (wᵘ) alāṣā نشان داده شده است.[۱۱] در همه موارد، نقطه‌ها اختیاری است و واکه‌های (الف، وو، یوذ)، هرگاه بلند بوده، در واژه نشان داده شده است.[۱۲] در پایان، باید اشاره کنیم که کاربرد نقطه در بالای h- پایانی در واژهٔ hmᵃh [hamah] «همه»، احتمالاً بر حفظ جایگاه هم‌خوان دلالت دارد.[۱۳] همچنین، در واژه my’n[mayān] «میان» نقطه در بالای یوذ بر [y] همخوان اشاره دارد و در متون سغدی به خط سریانی نیز دیده شده است.

متن[۱۴]

نسخهٔ I، روی صفحه (تصویر 1a)

1. bhtt’. wmr dw^{u}šmn^{ā}’n^{a}š r^{ā}’ ’andr
2. pwš^{ā}’n^{a}m š^{a}rm ❉ w‘lwhy n‘p..’ qwdšy.
3. wbr y^{a}k dw^{u} bw^{a}δ p’ky^{i}m ❉ {red} dm’’ wtltyn wtrtyn
4. {black} sδ wsy^{i} wdw^{u}w^{u}m {red} mbdq ‘l pwnyh d‘m’
5. dbbbl ❉ {black} nm’y^{a}δ br b’zg^{a}št^{a}n y^{i} r^{a}m k[15] ’az
6. b^{ā}’β^{e}l ❉ ’ḵḫd’ ‘tydyn hw^{u}w lm‘mr
7. dbyt ysryl wyhwd’ {red} py^{a} kc^{ā}’y pyr^{ā}’st bw^{u}δnd
8. pm’ny^{i}šn d’št^{a}n x’ng’hy^{i} [y]sryl wyhwd’[16]

9 {black} m’ tḇ wm’ špyr. cw^{u} ny^{e}k wcw^{u} ny^{i}kw^{o} ❉

10 (l)[’ḫ$^{..}$’ m](’)[d‘m](r$^{..}$)[yn]’(k)[ḫ](d)’[❉](mr)[ ](br)’δr^{ā}’n[17]

11 [r^{ā}’](’)

تصویر 1a-b: زبور دو زبانه سریانی/ فارسی نو (T II B 57 = MIK III/112 + TII B 64 [No. 4] = SyrHT 153): نسخه I، روی صفحه و پشت صفحه.

نسخه I، پشت صفحه (تصویر1b)

1. [18]{red} dm” wtltyn wtlt ❋ {black} sd wsy^{i} ws^{e}w^{u}m {red} m-lp
2. l'm' dṃn btr pwnyhwn dṃn bbl {black} '^{a}mw^{o}zδ
3. mrrmr^{ā}' k '^{a}z spsy^{i} b^{ā}'z gšt^{a}n š^{ā}'n k '^{a}z b'βl ❋
4. tšbḥ..t' dl' šlw' nsqwn l'lh' {red} st'y^{i}šy^{i} b^{e}'
5. '^{ā}s'y^{i}š br brnd p 'y^{i}zδ[19] {black} brkw lmry' klkwn <'bdẅhy dmry' >[20]
6. '^{ā}fry^{i}n kwun'^{e}δ p xwδ'h hm^{a}ḣ
7. t^{ā}'n b^{a}ndg^{ā}'nyi xwδ'h ❋ 'ylyn dq̇ymyn bbyth
8. dmry' blylẅt. wš^{ā}'n k y^{i} st'δ[21] 'and[22] '^{a}ndr
9. x'ny^{i} xwδ'h p š^{a}bh^{ā}' ❋ 'rymw 'ydÿkwn
10. lqwdš(' wbrkw)l(mr)y'[❋b](r)[ ](')[w](r)['^{e}δ dst](h)'
11. (t^{ā}')[n nbrk](k)

نسخهII، روی صفحه (تصویر۲)

1. wp'δy^{ā}'w^{a}ndst zw^{o}hrš ❋ wl(y)t sk' lswklh.
2. wny^{e} st cwmlgy^{i} mr šn^{ā}'s^{ā}'y^{i}š r^{ā}' ❋ mrym
3 mry' lmsk¨n. bzw^{u}rg kw^{u}n^{a}δ xwδ'h[23] mr
4. drwyeš^{ā}'n r^{ā}' ❋ wmmk¨k l'ẅ^{ā}l'[24] 'dm' l'r'.
5. wp^{a} st kw^{u}n^{a}δ mr b^{e}yd'δy^{i} gr^{ā}'n t^{ā}' zmyi ❋
6. <šbḥw>[25] lmry' bšwbḥ. st'y^{i}š th'^{e}δ mr
7. xwδ'h[26] r^{ā}' p st'y^{i}š ❋ zmrw lmry' bknr¨'.
8. sr^{ā} w'^{e}δ mr xwδ'h r^{ā}' p ky^{e} n^{ā}'rh^{ā}' ❋ dmks¨'
9. šmy' b'n¨n. k pw^{o}š^{ā}'n^{a}δ '^{ā}sm^{ā}'n r^{ā}' p
10. '^{a}b(r)[h](^{ā})' ❋ ẏhb mṭr '[27] 'l 'r'.
11. th^{a}δ b'r^{ā}'n br zmy^{i} ❋ mw'¨' 'myr' 'l
12. tẉ r¨'. rw^{o}y^{ā}'n^{a}δ gy^{ā}' br kw^{o}h^{ā}' ❋ ẏhb
13. lb'yr' m'kwlt. th^{a} δ mr stw^{o}r r^{ā}' xw^{o}rdny^{i} ❋
14. wlbn¨y n'b' m'kwlt. wmr gw^{u}r^{ā}'ğ [b]cg^{ā}'n[28]
15. [r](')[k](x)[w](')n^{a}nd ❋ l' ċb' mry' bḫylh
16. [dswsy' ❋ n]xw^{ā}'h^{a}δ xwd'h p ny^{i} rw^{o} y^{i} '^{a}sp ❋
17. ['pl' bšqw]hy dgnbr' ċb'. n^{a}ny^{i}z p s'gh^{ā}'y^{i}
18. [k']m^{a}δ ❋ 'l' ċb' mry' bdḫ¨lwhy.
19. [xwd](')h p t^{a}rs^{ā}'^{ā}n^{a}š[29] ❋ wb'ylyn
20. [dmskyn lty. b](w)th {red} dm” w'rb'yn wšb' {black} sd
21. [wcyhyl whftw](m) {red} 'l 'pÿ 'ylyn d'st'r lwt
22. ['m' dpnw mn bb](l) {black} (b)r '^{ā}n cy^{i} zh^{ā}' k krdh bw^{u}δnd

تصویر ۲: زبور دو زبانه سریانی /فارسی نو(T II B 57 = MIK III/112 + TII B 64 [No. 4] = SyrHT 153)؛نسخه II، روی صفحه.

نسخهII، پشت صفحه (تصویر۳)

1. [30]ny^{i}zdy^{i} rm k b’zgšt^{a}nd[31] ’^{a}z b’byl ❁ wmwd’
2. mn prcwphwn l’lh’ ’h̬yd kl.[32] xwstwy^{i} [33]
3. {red} tha δ ’^{a}z rw^{o}y^{i} ’^{e}š^{ā}’n mr ’y^{i}zδ r^{ā}’ d^{ā}’rndh hm^{a}h
4. {black} šbh̬y ’wršlm lmry’. st^{ā}’y^{i}š d^{e}’
5. ’wršlm p xwδ’h ❁ wšbh̬y l’lhky
6. chywn. wst’y^{i}š de’ p ’y^{i}zδt chywn ❁ mṭl
7. d’’š-n mwk-l’ dtr-‘yky. ’^{e}r^{ā}’ k pny^{i}rw^{o}
8. k^{a}rd pw^{u}štyb^{ā}’nh^{ā}’y^{i} drh^{ā}’t[34] ❁ wbr-k
9. lbnÿky bgwky. w’^{ā}fryin k^{a}rd mr frznd’n^{a}t
10. r^{ā}’ ’^{a}ndr mÿ’ny^{i} tw^{u} ❁ s^{ā}ṃ th̬wm-(yky) bšlm’.
11. nh^{ā}’δ h̬^{a}dh^{ā}’t[35] p drw^{o}δ ❁ wbšwmn’ d(h̬)ṭ’
12. sb‘ky. wp c^{a}rbwuy^{i} g^{a}ndw^{u}m sy^{e} r k^{a}rd twr^{ā}’
13. sy^{e}r ❁ mšdr mlth ‘l ’r‘’. fry^{i}st^{a}δ
14. sxw^{u}[n^{a}](š)[36] br zmyi ❁ wb‘gl rḥtpt(g)mh[.]
15. wsbw^{u}k dw^{a} δ sxw^{u}naš ❁ ẏhb [tlg’ ’yk]
16. ‘mr’. th^{a}δ b^{a}rf cw^{u} pšm [❁ w‘rpl’]
17. ’yk qtṃ’ mbdr. wmy^{e}ğ [ ]
18. pr^{ā}gn^{a}δ ❁ rm’ gly(d)’[37] ’yk (p¨)[t’ ❁]
19. y^{a}x cw^{u} pšy^{i}st^{a}h^{ā}’ ❁ wq(d)[m ‘ryh mnw]
20. mškh̬ lmqm. wpy^{e}šy^{i}[ ]
21. tw^{ā}’n^{a}δ p yist^{ā}’δn ❁ m(š)[dr mlth wmpšr]
22. lhwn. fry^{i}st^{a}d sx[wun^{a}š]

تصویر ۳. زبور دو زبانه سریانی /فارسی نو (T II B 57 = MIK III/112 + TII B 64 [No. 4] = SyrHT 153): نسخه II، پشت صفحه.

ترجمه

نسخهٔ I، روی صفحه

(زبور ۱۳۱، ۱۸) ...شرم ...- پس، دشمنانش را باید لباس شرم بپوشانم - و پاکی من باید بر او آشکار شود- و پاکی من باید افزون گردد.[۳۸] (زبور ۱۳۲) صد و سی و دو. صدو سی و دو. او بازگشت مردمی را که در بابل (بودند) آشکار میکند. او بازگشت مردم از بابل را آشکار می‌کند. آن خانه‌های اسرائیل و یهودا برای اقامت کردن به اتفاق آماده شدند. (آن) خانه‌های اسرائیل و یهودا برای سکونت[شان] به اتفاق مهیا شدند. (۱) چه خوب و چه عالی (است)-چه خوب و چه عالی (است)- برای [برادران ، وقتیکه] در کنار هم [اقامت گزینند]- برای برادران...

نسخه I، پشت صفحه

(زبور ۱۳۳). صد و سی و سه. صدوسی‌وسه. پس از بازگشتشان از بابل، مردم را آموزش می‌دهد. پس از بازگشتشان از بابل مردم را آموزش می‌دهد. بی‌وقفه خدا را نیایش می کنند. بی‌وقفه خدا را نیایش می‌کنند. (۱) ستایش کنید خدا را، همهٔ شما بندگان خدا- ستایش کنید خدا را، همهٔ شما بندگان خدا- آن‌هایی که شب‌ها در خانه خدا ایستادند- آن‌هایی که شب‌ها در خانه خدا ایستادند. (۲) دستان خود را برای ستایش و تقدس به سوی خدا برآرید- [برآرید] دستانتان را [برای ستایش و تقدس به سوی خدا] . (۳) [باشد که ستایش خدا] شما را...

نسخه II، روی صفحه

(زبور ۱۴۶، ۵) ... و نیرومند است قدرتش- و حدی برای دانایی او نیست- و برای دانش او مرزی نیست. (۶) خدا (جایگاه) درویشان را ارتقا می‌دهد. خدا درویشان را ارجمند می‌سازد. خدا گناهکاران رادر زمین پست می کند- و آن‌هایی را که در زمین گناه می‌کنند پست می کند. (۷) بستایید خدا را با نیایش‌ها- خدا را ستایش کنید با نیایش - چنگ‌ها را برای خدا بنوازید - چنگ‌ها را برای خدا بنوازید! (۸) خدایی که آسمان‌ها را با ابرها پوشانده است- خدایی که آسمان‌ها را با ابرها پوشانده است - باران را بر زمین بخشیده است. باران را بر زمین بخشیده است. سبزه‌ها را بر کوه‌ها رویانده است. سبزه‌ها را بر کوه‌ها رویانده است . (۹) خوردنی را برای چهارپایان آفریده است. خوردنی را برای چهارپایان آفریده است - و برای کودکان کلاغ غذا را-.[۳۹] و برای کودکان کلاغ [که] می‌خوانند. (۱۰) خدا ازنیروی [اسب] خشنود نمی‌شود_ خدا از نیروی اسب خشنود [نـ]ـمی‌شود. و از پاهای دلاور خشنود نمی‌شود_ و از پاهای [دلاور] خشنود نمی‌شود. (۱۱) بلکه خدا از کسانی خشنود می‌گردد که از او می‌ترسند - [بلکه خدا از کسانی که از او می‌ترسند و از کسانی که رحمتش را انتظار دارند [خشنود می‌گردد]. [۴۰] (زبور۱۴۷) صد و چهل و هفت. صد و [چهل وهفت]. دربارهٔ آن (چیزهایی) که اتفاق افتاد برای [مردمی که از بابل بازگشته‌اند]. دربارهٔ آن کارها که انجام می‌دادند

نسخه II، پشت صفحه

دربارهٔ مردمی که از بابل بازگشته‌اند. و او خدا، دارندهٔ همهٔ چیزها، را در پیشگاهشان می‌ستاید او به خدا دارندهٔ همه چیزها، در حضورشان اعتراف می‌کند.[۴۱] (۱) بستایید خدا را (ای مردم) اورشلیم - پرستش کنید خدا را(ای مردم اورشلیم). و بستایید خدایتان صیهون*(*Zion*) را. و پرستش کنید خدایتان صیهون را. (۲) زیرا او پشتیبان‌های دروازه‌هایتان را محکم ساخت. زیرا او پشتیبان‌های دروازه‌هایتان را محکم ساخت. و او فرزندانتان را در قلب‌هایتان عزیز می‌دارد. و فرزندانتان را در قلب‌هایتان عزیز می دارد. (۳) او مرزهایتان را در آرامش نهاد. او مرزهایتان را در آرامش نهاد. و شما را با فراوانی گندم خشنود ساخت. و شما را با فراوانی گندم خشنود ساخت.[۴۲] (چهارم) او پیامش را بر زمین می‌فرستد. او پیامش را بر زمین می‌فرستد_ و پیامش به سرعت اجرا می‌شود. و پیامش به سرعت اجرا می‌شود. (۵) او [برف را مانند] پشم آفریده است. او برف را مانند پشم آفریده است. [او مه] را مانند خاکستر پراکنده ساخته است. و مه[۴۳] را [مانند خاکستر] پراکنده است. (۶) او یخ را به صورت [تکه‌هایی] پراکنده ساخته است. [او] یخ را به صورت تکه‌هایی [پراکنده است]. و [چه کسی] می تواند در برابر [سرمایش] ایستادگی کند؟ و [چه کسی] می‌تواند در برابر [سرمایش] ایستادگی کند؟ (۷) او [کلامش را و گرما را] برای آن‌ها [می‌فرستد]. او پیام[ش] را می‌فرستد...

۲) دو نسخه از متن دارو شناختی[۴۴]

نسخهٔ M7340 (تویوق) قطعه‌ای تقریباً مربع شکل است. یکی از گوشه‌های پایینی نسخه دارای چین خوردگی‌های متقارن و پارگی‌هایی است که نشان می‌دهد پیشتر، به صورت افقی و عمودی، تا خورده بوده است. هیچ خطی کامل باقی نمانده است تا بتوانیم خطوطی را که حداقل پاره‌ای از آن‌ها را تصحیح کرده‌ایم تشخیص دهیم. بیش از دو سوم پهنای صفحه اصلی، از هر طرف، باقی مانده و اکثر متن با جوهر قرمز نوشته شده است. نسخهٔ M7340 نوشته‌ای مانوی است، اما مری بویس، در کاتالوگ متن ترفانی، به درستی آن را متنی «فارسی نو به خط سریانی» معرفی کرده است، در حالی که، بنابر تشخیص هنینگ، این قطعه متنی داروشناختی است و از انواع مرهم‌ها/ روغن‌ها صحبت می‌کند.[۴۵]

از آنجا که پشت و روی صفحه با قطعیت خوانده نمی‌شود، اینجا دو طرف قطعه با حروف A و B معرفی شده است. قسمت B تا حدی تا خورده و بخش‌هایی به علت اثر جوهر، که از نسخهٔ دیگر باقی مانده، مبهم است. دو خط اول این قسمت با جوهر سیاه نوشته شده و احتمالاً عنوان این بخش بوده است. باقی متن شامل دستورالعمل‌هایی برای سه نوع مرهم/روغن دارویی (rōγn) است که نامشان «مرهم/روغن رویین(؟) <Ĵamal-frāš>» «(؟) مرهم/روغن پوست شتر» و «<xarbūz>» «(؟) مرهم/روغن خربزه» «<rōyēnī>» معنی می‌دهد. هر یک از این نام‌ها، در خطی جداگانه در وسط صفحه (Ab, A14, B3)، نوشته شده و با جوهر سیاه در حاشیه‌های کناری تکرار شده است. هر دستورالعمل با پاراگرافی (A7,A15-16,B4-7) شروع می‌شود و ویژگی‌های دارویی را که برای آن مؤثر است، فهرست کرده است: عبارت rā-... šāyaδ «مناسب است برای...» در صفحه B4-7 به خوبی باقی مانده است. مطلب در خطی جدید (روشن است که قسمت آخر متن A7 بدون نوشته باقی مانده است) به همراه فهرستی از ترکیبات و مقادیر ادامه می‌یابد. واژهٔ آخر **zwz «زوز (واحد اندازه‌گیری)» با دستورالعمل ضمنی برای تهیهٔ ترکیبات بیان می‌شود: ...Ĵudābī-tar[ ] [آن را] خشک‌تر [کنید] (B10). اگرچه بخش ناچیزی از متنِ باقی مانده است، ساختار قاعده‌مند و طرح منظم آن، تشخیص مفهوم کلی آن را نسبتاً آسان می‌سازد؛ مثلاً، اینکه کدام کلمات نام بیماری‌اند و کدام کلمات ترکیبات هستند قابل تشخیص است.

نسخهٔ دیگری از این نوشته را مجموعه‌ای در بردارندهٔ سه نسخهٔ کوچک (T II B 14 [b], T II B 69, T II B 69) در بر می‌گیرد که در اندازهٔ نامنظم با شماره ردیف n175 به هم متصل شده‌اند. اندازهٔ قطعه، خصوصاً پارگی‌های آن، احتمالاً بیان کنندهٔ این است که گاهی با قطعه M 7350 همراه بوده و تا خورده است. بازهم، نشانه‌های به کار رفته در آنها نشان می‌دهد که یکی از تویوق و دیگری از بولاییق یافت شده است. ترتیب به کار رفته نامشخص است: ازاین رو اینجا، با حروف D و C مشخص شده و در این مورد، متن کاملاً با جوهر سیاه نوشته شده است. فقط تعداد بسیار کمی از نقطه‌گذاری‌ها با جوهرِ قرمز گذاشته شده‌اند. متأسفانه فقط یک یا دو واژه از هر خط باقیِ مانده است، ولی ساختار کلی متن ظاهراً شبیه به M7340 است. عنوان به کار رفته در وسط خط ۱۱ احتمالاً نوع خاصی از حب/قرص(gōlī) است پس از آن بلافاصله عبارت ...šāyaδ «مناسب است (برای) ...» در 12D آمده است. نسخهٔ مشابه آن در C15 دیده می‌شود. جای خالی پایان متن اشاره به عنوانی دارد که در وسط قرار می‌گیرد. بر اساسM7340، بخش اعظمی از متن باقی مانده شامل فهرستی از ترکیبات و مقادیر است. در D5 بار دیگر، واحد اندازه‌گیری ***stēr: استر به جای :zwz زوز آمده است. تعداد بسیار کمی از فعل‌ها، مانند barāmēz «بیامیز» در D8 به کار رفته که بخشی از دستورالعمل تهیه دارو را شامل می‌شود.

این نوشته تنوع زبان‌شناختی چشم‌گیری را نشان می‌دهد؛ متن به زبان فارسی است و بخش زیادی از واژه‌های آن نیز فارسی است (اما واژه‌هایی با اصل عربی نیز در آن دیده می‌شود). کلماتی که دارای اصل بیگانه‌اند، عمدتاً برای تعدادی از گیاهان و دیگر ترکیبات استفاده شده‌اند. اما، گاهی واژه‌های سریانی به جای معادل فارسی آن‌ها، بدون دلیلی مشخص، به کار رفته است. نمونه‌ها شامل ḥmr’ «شراب» (D10) و knšmy‘ «ورم» (B1•,B4) و نیز اعداد است که در زیر بدان‌ها اشاره می‌شود. نفوذ زبان سغدی نیز احتمالاً در واژه‌های gāw-rōγan (A4) یا γām-rōγan (A5) «کره» دیده می‌شود، در حالی که واژهٔ فارسی معادل آن rōγan-i gāw[۴۶] است. صورت فعل buwā «باشدی» (D2, D9) نیز ظاهراً دارای اصل پارتی است.

متن حاضر، در موضوعات متعدد، به شیوهٔ نسخه‌نویسی یا دستورالعمل دارویی اولین بخش از کتاب پزشکی سریانی، که بادج (Budge) (۱۹۱۳) آن را منتشر کرده است، شباهت دارد. متن با سخن یک یا چند بیمار، که برای آن‌ها دارویی مناسب (ḥšḥ «مناسب است») است، عموماً آغاز شده و فهرستی از ترکیبات و مقادیر، نه تنها با زوز ('zwz,zwz؛ جمع: zwz̈ ,'zwz) بلکه با اونس****('ẅn) و ('styr̈') استرها، اندازه‌گیری شده است و همراه نسخهٔ تهیه دارو در ذیل آن آمده است. در متن به ترکیباتی مانند رازیانه، زنجبیل، شیرین بیان، فلفل و (مرهم/روغن) سنبل هندی اشاره شده است.

ویژگی جالب توجه دستنویس بادج (Budge)، کاربرد قاعده‌مند نشانه‌های عددی آرامی باستان در آن است. [۴۷] در متن مورد نظر اعداد با واژه‌های سریانی ('sr':10، 'sryn[۴۸]: 20، ḥ mšt'sr:15، št'sr:16، 'rb'm": 400) یا با واژه‌های فارسی نوشته شده است. با وجود این، همانطور که سباستین براک (Sebastian Brock) یادآوری کرده است، «نشانه‌های عددی حداقل یک‌بار، در خط C11 به صورت: ...3 ...3 ... ...zyz ...zyz «هر یک سه (زوز)» نوشته شده است که دقیقاً با نوشتهٔ بادج (Budge) مطابقت می‌کند. در این باره باید اشاره کنیم که عدد «۵» که شبیه به حرف 'e نوشته می‌شود، احتمالاً در TIIBIV No.4 (ردیف: SyrHT I) نیز وجود داشته است. قطعهٔ داروشناختی سریانی را، که از بولاییق به دست آمده، میکلوس ماروث (Miklós Maróth) سال ۱۹۸۴ منتشر کرده است. در خط نُه این متن نسخه‌ای برای پیش‌گیری از رشد موهای زاید داده شده است که با کلمات ṣwr prḥ dẅd' b'wrq't' dktn' آغاز می‌شود، من آن را اینگونه فهمیده‌ام: «پنج خفاش را در پارچه‌ای کتان بپیچید.»[۴۹]

املای این قطعه‌های داروشناختی، در بسیاری جهات، مانند املای زبور دو زبانه است، خصوصاً اینکه می‌توان کاربرد <c> ṣadhe را، برای نشان دادان [č] و [ǰ]، تشخیص داد و وجود حروف غیرسریانی<ß> <f> <ğ> <x> را (حرف ß فقط درC6، در یک واژه ناقص آمده است) نیز مشاهده کرد. از سوی دیگر، [δ] همواره با d و نه با [δ] نشان داده می‌شود. حروف حث <ḥ> و 'e <'> فقط در واژه‌های سریانی مشاهده شده‌اند. اما، قف <q>، همان طور که انتظار می‌رود، برای q فارسی- عربی در واژه‌های مانند qwlnc [qaulanǰ] «قولنج»[۵۰] به کار رفته است.

این متن خیلی کمتر از متن زبور آوایی است، اگرچه اصول کلی همان است. [ā] درون واژه اصلاً با الف نشان داده نشده، اما گاهی، در (ª)zqāpā و خصوصاً در واژه gªw [gāw] «گاو» به کار رفته یا اینکه بر اساس هجای پایانی در واژه kā 'hš-grftgn [kāhiš-griftagān] «آنچه بر اثر مصرف کاهش می‌یابد» و spndn [spandān] «خردل» بدون نشانه باقی مانده است. در زبور ، [ē] را، باتوجه به ترکیب qašyā zlāma و se'zdah [sēzdah] «۱۳» می‌توان برای الف ('e) نشان داد. اما احتمالاً نقطه‌ها در اینجا حذف شده است. بنابراین ممکن است الف صرفا بیان‌کننده [ē] باشد و واژه rwy 'ny نیز (در B3 و حاشیهٔ آن) احتمالاً [rōyēnī] «رویین(؟)»[۵۱] خوانده شود. باید اشاره کنیم -k[kē] «چه کسی» به واژهٔ بعدی خود وصل می‌شود. [i-]y- اضافه همواره به واژهٔ قبلی خود متصل می‌شود؛ درست بر خلاف زبور که در آن k همیشه و y' معمولاً جداگانه نوشته می‌شود.

متن

سمت A[۵۲]

1 فقط نشانه‌هایی دیده شد

2 [ ].. wqdr[53] .. wpylpl (..) spndny •••[ ]

3 [ ]•'m'rg .. wswn'q .. wsyr ..

4 [ ]ry gªw .. ch'r .. ch'r .. zwz .. gwrwğn ..

5 [•].

6[54] [.•](r)wğny xªrbwz •.

7 [š'yd --](r' w)tbhr' •.

8 [ ](')rb'm" zwz •. ğªwrwğn[55] ..

9 [ ]mn[56] •. qndy xwzy

10 [ ](r) .. wqyrfh .. ws'dy
11 [ ](') .. hšt .. hšt .. (z)wz(..)
12 [.](.) wzncbyl (..) št'sr ..
13 [št'sr .. z]wz ❊.
14 [57] [ ](r)wğny cmlfr'š ❊.
15 [š'yd --r']❊. wdrdy phlwh'r' ❊. wk'hš grft-
16 -gnr' (..)

سمت B [۵۸]

1 (knšmy'r'. --)cr'.[59] my'lycr'.[60] drd(y nym)[sr?]
2 (r' w----)[r](').[ ]
3[61] .❊ rwğny rwy'ny ❊. []
4 š'yd ❊. knšm(y)'r' ❊. wqwl(nc)r'[❊.]
5 (wdrd)y[62] pywn(d)hr' ❊. w(dr)[dy --r' ❊]
6 w'(y)š'nr' ❊. k(š)km g[rfth(?) ❊w'yš'nr']
7 (kbwd) ❊. (•b•)gm ❊.[
8 twrp(l) .. t(r)ywš(n) .. (')[
9 k'(m)y wsgbyn .. h(z'r .)[.
10 cd'by tr .. ••'(y')y (.). sws .. [ ]
11 (ḫ)m(š)t(')s(r .. ----)[ ]
12 (--n)k .. d(st)h .. 'lb• .. '(s)[r'[63]❊]

سمت C

1](x)wš .. b'[
2]y .. šwsth[
3](y) .. gwly .. frz[
4]w'ny trym'n [
5]dr'ws .. ss'l'w[s
6 z](wz) .. twxmy 'aβ[ ](g)[ ](c)[
7]swmbl .. wg[
8 tw]xmy bastwl'k ..
9](y) .. slyxh .. 100(?) ..
10] w'nyswn ..
11]• .. 3 (..) 3 .. zwz ..
12]•[ ](b)wdy bls'n ..
13]sy zwz ..
14 zw]z ..
15 [.❊ gwly(?) . . . . . . ❊.]
16 [š'yd](r') ❊

سمت D

1 z]wz .. wnym .. [
2]wzy bw' .. [
3]dry .. tryn g[
4] nyk .. byst •[
5](d) .. se'zdah st'yr[
6]• .. wbwe[y](d)[[64]
7 (w•'n)ydr' ba(d')[
8 wbr'myz b(a)' [
9 fndq .. wbwa(')[

10 w[]mr' .. 'spy[d
11 .• gw(l)[y
12 š'yd x(r')[ch'r'?
13 wsw[
14 plpl[
15 xwlng['n
16 [](šwq)[[65]

ترجمه

سمت A

(ترکیبات:) ... و qadar (نوعی از ترکیبات)، و فلفل و خردل از...... و swnq، (نوعی از ترکیبات) و سیر، [و]

...گاو: هر یک چهار زوز؛ کره...

مرهم/ روغن خربزه

(اثر) : [مناسب] برای... و تب (انواع تب).

(ترکیبات:) ...:چهارصد زوز؛ کره، ...، قند خوزی، ... و دارچین و مرهم/ روغن سنبل هندی (؟)...: هر یک هشت زوز؛ ... و زنجبیل: شانزده زوز [هریک].

مرهم/ روغن پوست شتر (؟)

(اثر:) [مناسب برای...]، و برای درد پهلوها، و برای آنهایی که به بیماری سل دچارند.

سمت B

برای ورم، [قولنج] (؟) برای my'lyc (نوعی بیماری؟) ، برای سردرد (؟) و برای ...

مرهم/ روغن رویین(؟)

(اثر:) مناسب برای ورم، و برای قولنج، و برای درد مفاصل، و [برای] درد (؟) [در...]، و برای آن‌ها که دچار یبوست [هستند]، [و برای آن‌ها] که...[66]

(ترکیبات:) twrpl نوعی غله که در شرق هند می‌روید و دارای خواص ملین است) trywšn، ... k'my و sgbyn (=صمغی بدبو از گونهٔ خاصی گیاه که در درمان تشنج استفاده می‌شود): هزار [زوز هریک]؛ [بسازید]خشک‌تر...شیرین بیان، ...: پانزده [زوز]؛ ...: یک مشت؛ ...ده (؟) [زوز]...

سمت C

(ترکیبات:)...شسته...گُل...[67] و آنِ[68] گیاهان دیگر،...، ss'l'ws (گیاهی علفی) ...: زوز، دانه های ...، مرهم/روغن سنبل هندی، و ...، دانه‌های (؟) bastwl'k (نوعی گیاه؟) ، .... slyxh، (= صمغ گیاهی خوشبو که برای بخور استفاده می شود): صد(؟) [زوز]؛ ... و رازیانه،...: سه زوز هر کدام؛ ... از بلسان (مادهٔ صمغی خوشبویی که از گیاه خارج می شود)،...: سی زوز؛...:... زوز(؟)

[...حب/ قرص؟]

(اثر:) [مناسب برای...و] برای...

سمت D

(ترکیبات:)...زوز و نیم ... بگذارید باشد...نمناک...خوب...: بیست [زوز]؛ ...: سیزده استر ... و شما باید (؟) باشید و (؟) ...، و ...بیامیزید (آن را) با...، فندوق و بگذارید باشد... و شراب... سپید (؟)...

حب/قرص...

(اثر:) مناسب [برای] کورک (؟)...

(ترکیبات:)...و... فلفل و xwlng'n (= گیاهی که در آسیای شرقی می‌روید، دارای ریشه‌های خوشبو است و دارای خاصیتی دارویی است و به عنوان چاشنی نیز به کار می‌رود).

پی‌نوشت

* کوه صیهون مکانی است که در آن یهوه، خدای اسرائیل، سکونت دارد.

** zwz: زوز (واحد اندازه‌گیری)، تقریباً برابر ۳/۸۸ گرم ؛ English:drams

*** stēr: استر (واحد اندازه‌گیری)، احتمالاً برابر ۴۲۵گرم (؟)؛ English:stater

**** 'wn : اونس (واحد اندازه‌گیری)، تقریباً برابر ۳۰گرم؛ English:ounce

نمایه:

صفحات زبور با نشانه‌های IIV, IIr, IV, Ir و صفحات قطعات داروشناختی به صورت A، B، C و D ذکر شده‌اند. نمایه واژه‌هایی را که در متن سریانی زبور به کار رفته است شامل نمی‌شود. هیچ‌گونه آوانویسی برای واژه‌ها و نام‌هایی که با املای سریانیشان نوشته شده‌اند داده نشده است.

bcg^{a}'n] baččagān "بچه‌ها" [IIr14*
bls'n [balsān] "مرهم/ بلسان‌جلعاد" C12. → Maggi 2003: 120–22.
bandg^{a}'n [bandagān] "بندگان" Iv7
br [bar] "بر" Ir3, Ir5, Iv5, IIr11, IIr12, IIr22*, IIv14. → br 'myz, br'wr'^{e}δ, br brnd.
br'δr^{a}'n [brāδarān] "برادران" Ir10*
br 'myz [bar āmēz] "بیامیز" (2 sg. impv.) D8
br 'wr'^{e}δ [bar āwarēδ] "برآورید" (2 pl. impv.) Iv10*
br brnd [bar barand] "بَرند" Iv5
b^{a}rf [barf] "برف" IIv16
brnd: → br brnd
b^{a}stwl'k (نوعی گیاه؟) C8
bw', bw^{a}' [buwā] "بگذارید باشد" D2 ,D9 ظاهرا 3 sg. subj.→ Salemann 1895: 24 (no. 230); Wolff 1935: 155.
bw^{a}δ, bwd(?) [buwaδ] "باشد، شود" Ir3 ,B7*
bw^{u}δnd [būδ-and] "بودند" Ir7 ,IIr22
bw^{e}yd [buwēδ] "باش" D6*(?) .(a 2 pl.) indic. or impv.
b^{e}yd'δy^{i} gr^{a}'n [bēdāδī-garān] "خطاکاران، گناهکاران" IIr5
byst [bīst]" 20 "D4
bzw^{u}rg [buzurg] "بزرگ" IIr3
c^{a}'y [ǰāy] "جای" Ir7
cd'by-tr] ǰudābī-tar "خشک‌تر" [B10.
ch'r [čahār] "چهار" A4 (x2)
chywn "صیهون" IIv6. صورت سریانی .
cmlfr'š [ǰamal-firāš]"پوست شتر" (?) A14 ,A14m
c^{a}rbw^{u} [čarbū] "چربی، فراوانی" IIv12
cw^{u} [ču] "چه، چو" Ir9 (x2) ,IIv16 ,IIv19
cwmlgyi [ǰumlagī] "جملگی" IIr2 .→Benveniste 1938: 461–2; Sundermann1974: 445 n. 33.
cy^{i}zh^{ā}' [čīz-hā] "چیزها" IIr22
de' [dē] "بده" (2 sg. impv.) IIv4, IIv6. Cf. th'^{e}δ, th^{a}δ.
d^{a}'rndh [dārandah] "دارنده" IIv3
d'štan [dāštan] "داشتن" Ir8
drd [dard] "درد" A15 ,B1 ,B5 *(x2)
drh^{a}' [dar-hā] "دروازه‌ها، درها" IIv8
drwy^{e}š^{a}'n [darwēšān] "درویشان" IIr4
drw^{o}δ [drōδ] "درود" IIv11
dsth [dastah] "مُشت" B12*
dsth' [dast-hā] "دست‌ها" Iv10*
dw^{u} [du] "دو" Ir3
dw^{a}δ [dawaδ] "اجرا می‌شود" IIv15
dw^{u}šmn^{a}'n [dušmanān] "دشمنان" Ir1
dw^{u}w^{u}m [duwum] "دوم" Ir4
fndq [funduq] "فندوق" D9

fryⁱstᵃδ ,fryⁱstᵃd [fristaδ] "فرستد" IIv13 ,IIv22
frznd'n [farzandān] "فرزندان" IIv9
frz[(نوعی گیاه؟) C3
gᵃndwᵘm [gandum] "گندوم" IIv12
grfth, grftgn:→ škm-grfth, kᵃ'hšgrftgn
gᵃw [gāw] "گاو" A4.→gwrwğn ,ğāwrwğn.
gwl [gul] "گُل" C3(?)
gwly [gōlī] "حب/قرص" D11
gwᵘrᵃğ [gurāγ] "کلاغ" IIr14 → Sundermann 1974: 445 n. 36.
gwrwğn, ğᵃwrwğn [gāw-rōγan, γāw-rōγan] "روغن،کره" A4 ,A8. Cf. gᵃw و rwğn.
gyā' [giyā] "گیاه" IIr12
g[D3, C7
hftwm [haftum] "هفتم" IIr21*
hmᵃh', hmᵃh [hamah] "همه" Iv6 ,IIv3
hšt [hašt] "هشت" A11) x2)
hz'r [hazār]" 1000 "B9*
ḥᵃdhᵃ' [ḥad(d)-hā] "مرزها، حدها" IIv11
ḥmr' "شراب" D10.سریانی .
ḥmšt'sr "15" B11.سریانی .
k ,k -[ke] "که، چه کسی، کدام" Ir5, Iv3 (x2), Iv8, IIr9, IIr15, IIr22, IIv1, IIv7, B6, B7.*
kᵃ'hš-grftgn [kāhiš-griftagān]"کاهش گرفتن"
A15–16
k'mᵃδ [kāmᵃδ] "خشنود می‌شود" IIr18*
k'my [kāmī?] (نوعی از ترکیبات؟) B9
knšmy "ورم" 'B1* ,B4 .سریانی knāš-mayye, lit."تجمع آب، ورم" .
kᵃrd [kard] "کرد، ساخت" IIv8 ,IIv9 ,IIv12
krdh [kardah] "انجام می‌دادند" IIr22
kwᵒhᵃ '[kō(h)-hā] "کوه‌ها" IIr12
kwᵘnᵉ'δ [kunēδ]) "کنید" 2 pl. impv. (Iv6
kwᵘnᵃδ [kunaδ] "کُنَد" IIr3 ,IIr5
kyᵉnᵃ'rhᵃ '[kēnār-hā] "چنگ‌ها" IIr8
-m [-m] (1 sg. encl. pron.) Ir3
m'nyišn [māniš(n)] "سکونت، اقامت" Ir8.→ Benveniste 1938: 459.
mr [mar] (شناسه مفعولی) IIr5 .→Benveniste 1938: 459–61.
mr . . . rᵃ '[mar . . . rā] (شناسه مفعولی) Ir1, Ir10–11* ,Iv3, IIr2, IIr3–4, IIr6–7, IIr8, IIr13, IIr14–15*, IIv3, IIv9–10
my'n [mayān] "میان" IIv10
myᵉğ [mēγ] "مه" IIv17
myᵉlyc (نوعی بیماری؟) B1*
nᵃ- [na-] "نه" IIr17
nhᵃ'δ [nihāδ] "نهاد" IIv11nm'yᵃδ [nimāyaδ] "فاش می‌کند، آشکار می‌سازد، می‌نماید". Ir5

ny'k ,nyk [nēk] "نیک، خوب" Ir9, D4
ny'kw° [nikō] "نیکو، عالی" Ir9
nym [nīm] "نیم" D1..
nym-sr [nīm-sar] "سر درد" B1*(?)
ny'rw° [nīrō] "، قدرت، استحکام،نیرو" IIr16 ,IIv7
ny'st [nēst] "نیست" IIr2
ny'z [nīz] "نیز" IIr17
ny'zd-y' [nizd-i] "در ارتباط با، درباره" IIv1.
p, p- [pe] "در، به، با" Ir7, Ir8, Iv5, Iv6, Iv9, IIr7, IIr8, IIr9, IIr16, IIr17, IIr19, IIv5, IIv6, IIv7, IIv11, IIv12, IIv21
p'δy'ʾwand [pāδyāwand] "نیرومند" IIr1. Cf. Pahlavi p'tyd'wnd, JP p'dywnd (MacKenzie 1968: 251).
p'ky' [pākī] "پاکی" Ir3
phlwhʾ- [pahlū-hā] "پهلوها" A15
plpl:→ pylpl
pr'gn'δ [parāganaδ] "پراکنَد" IIv18
past [past] "پست، فرومایه" IIr5
pšm [pašm] "پشم" IIv16
pšy'st'hʾ' [pašista(h)-hā] "تکه‌ها" IIv19 .Sims-Williams 1985: 59.
pw°š'n'δ [pōšānaδ] "پوشانَد"IIr9
pwš'n'm: → 'ᵃndr pwš'n'm
pwᵘštybᵉ'nhʾ' [puštebān-hā] "پشتیبان‌ها(ی دروازه‌ها)" IIv8.
pylpl, plpl [pilpil] "فلفل" A2 ,D14
pyr'st [payrāst] "مهیا ساخت، آماده کرد" Ir7
py'š-y' [pēš-i] "پیش از" IIv20
pywndh- [paywand-hā] "مفاصل" B5
qdr [qadar?] (نوعی از ترکیبات) A2
qnd [qand] "قند" A9
qwlnc [qaulanǰ] "قولنج" B4
qyrfh [qirfa] "نوعی دارچین" A10
r', -r', -r' [rā] "به"برای" (شناسه مفعولی) IIr9, IIv12, A7*, A7, A15, A16,B1*, B1 (x2), B2 *(x2), B4 (x2), B5, B6, C16* .'erā', mr . . . rā'.
r'm, rm [ram] "مردم" Ir5, Iv3, IIv1
rw° [rō] "روی" IIv3
rwğn [rōγan] "روغن/ مرهم" A6, A6m, A14, A14m, B3, B3m. Cf. →gwrwğn, ğāwrwğn.
rw°y'n'δ [rōyānaδ] "رویانَد" IIr12
rwy'ny [rōyēnī] "رویین، برنجی" B3, B3m
s'd [sād] (نوعی از ترکیبات) A10.
s'ghʾ' [sāg-hā] "ساق‌ها" IIr17
s'ᵉwᵘm [sewum] "سوم" Iv1
sᵉ'zd'h [sēzdah]" 13 "D5
sbwᵘk [sabuk] "سبک، سریع" IIv15

sδ,sd [saδ] "صد" Ir4, Iv1, IIr20
sgbyn [sagbīn] "صمغی بدبو از گونه خاصی گیاه که در درمان تشنج استفاده می‌شود" B9
slyxh [salīxah] "صمغ گیاهی خوشبو که برای بخور استفاده می‌شود" C9
spndn [spandān] "خردل" A2
sps-y^{i} → '^{a}z sps-y^{i}
sr^{a}w'^{e}δ] srāwēδ] "بنوازید، بسرایید" (2 pl. impv.) IIr8
ss'l'ws "نوعی گیاه علفی" C5* صورت سریانی. فارسی: sasāliyūs.
-st [ast] "هست" IIr1.→ ny^{e}st.
st'y^{i}š, → st^{a}
'y^{i}š [stāyiš] "ستایش" Iv4, IIr6, IIr7, IIv4, IIv6
stw^{o}r [stōr] "ستور" IIr13
st^{e}yr [stēr] "استر (واحد اندازه‌گیری)" D5
swmbl [sumbul] "سنبل هندی، روغن یا مرهم معطر" C7
swn'q (نوعی از ترکیبات) A3
sws [sūs] "شیرین بیان" B10
sw[D13
sxw^{u}n [saxun] "سخن" IIv14* ,IIv15 ,IIv22*
sy^{i}, sy [sī] "سی" Ir4, Iv1, C13(?)
syr [sīr] "سیر" A3
sy^{e}r [sēr] "راضی، خشنود" IIv12, IIv13
-š, -^{a}š [-š, -aš] (3 sg. encl. pron.) Ir1, IIr1, IIr2, IIr19, IIv14*, IIv15
š^{ā}'n [-šān] (3 pl. encl. pron.) Iv3
š^{ā}'yd, š'yd [šāyaδ] "مناسب است، شاید" B4 ,D12
š^{a}bh^{ā}' [šab-hā] "شب‌ها" Iv9
škm-grfth [šikam-griftah] "یبوست" B6*(?)
šn^{ā}'s^{ā}'yi [šnāsāyī] "دانش" IIr2
š^{a}rm [šarm] "شرم" Ir2
št'sr "16" A12. سریانی.
šwq[D16*
šwsth [šustah] "شسته" (یا "دستمال، حوله") C2
-t, -^{a}t [-t, -at] (2 sg. encl. pron.) IIv6, IIv8, IIv9, IIv11
t^{ā}' [tā] "به سوی" IIr5
t^{ā}'n [-tān]) 2 pl. encl. pron. (Iv7, Iv11*
tbh [tabah "تب" [or tbh-] tabhā] "تب‌ها" A7
th'^{e}δ [thēδ]) "دهید" 2 pl. impv. (IIr6. Sundermann 1974: 445 n. 34.
th^{a}δ [thaδ] "دهد" IIr11, IIr13, IIv3, IIv16
t^{a}rs^{ā}'^{ā}n [tarsāʾān] "ترسایان، آن‌ها که می‌ترسند" IIr19 .Lazard 1963: 173.
trym'n [trēmān?] "نوعی گیاه دارویی" C4. Dieter Maue: Skt. trāyamāṇa/ā- "id." Rachmati 1932: 30 (= 428), text 3, line. 77.
tryn [tarīn] "تر،نمناک، تازه" D3
trywšn (نوعی از ترکیبات) B8*
tw^{u} ,tw] tu] "تو" IIv10, IIv12 tw^{ā}'n^{a}δ [tuwānaδ] "تواند" IIv21
twrpl [turpil] "نوعی غله که در شرق هند می‌روید و دارای خواص ملین است" B8. NP: turbid Khot.

ttr'lⁱ, Sogd. ṯr ypl(?), Skt. tripuṭā →-Maue and Sims-Williams 1991: 491
twxm [tuxm] "دانه، تخم" C6, C8•
w- [u] "و" Ir1, Ir3, Ir4 (x2), Ir8, Ir9, Iv1 (x2), IIr1, IIr2, IIr5, IIr14, IIv6, IIv9, IIv12, IIv15, IIv17, IIv20, A3 (x2), A7•, A10 (x2), A12, A15 (x2), B2*, B4, B5• ,B5, B6, B9, A2 (x2), D1, D6, D7• ,D8, D9, D10, D13, C4, C7, C10
wš'ⁱn [wašān?] "آن‌ها ،ایشان" Iv8 .Cf .'ešā'n.
x'n [xān] "خانه" Iv9
x'ng'h [xāngāh] "خانه" Ir8
xr'c(?) [xurāǰ] "جوش، کورک" (?) D12•
xᵃrbwz, xrbwz [xarbūz] "خربزه" A6, A6m
xwⁱ'hᵃδ [xwāhaδ] "خواهد" IIr16
xw'nᵃnd [xwānand] "خوانند، فریاد کنند" IIr15❋
xwδ'h, xwd'h [xuδāh] "خدا" Iv6, Iv7, Iv9, IIr3, IIr7, IIr8, IIr16, IIr19•, IIv5
xwlng'n [xūlangān] "گیاهی که در آسیای شرقی می‌روید، ریشه‌های خوشبویی دارد و دارای خاصیتی دارویی است. به عنوان چاشنی نیز به کار می‌رود" D15•
xwᵒrdnyⁱ [xordanī] "خوردنی، غذا" IIr13
xwstwyⁱ [xustūwī] "اعتراف" IIv2
xwzy [xūzī] "خوزی" A9
yhwd' "یهودا" Ir8. صورت سریانی.
-yi, -y, yi [-i] (اضافه) Ir5, Ir8, Iv3, Iv4, Iv7, Iv9, IIr16, IIr17, IIv3, IIv8, IIv10, IIv12, A2, A4, A6, A6m, A9, A10, A14, A14m, A15, B1*, B3, B3m, B5, D3(?), C2(?), C3(?), C4, C6, C8, C12. → 'az sps-yi, nyi zd-yi, pye š-yi.
yk [yak] "یک" Ir3, Ir7
ysryl . "اسرائیل" Ir8 صورت سریانی.
yⁱst'ⁱδn [istāδan] "ایستادن" IIv21
yⁱst'δ 'ᵃnd [istāδ-and] "ایستادند" Iv8
yᵃx [yax] "یخ" IIv19
zmyⁱ [zamī] "زمین" IIr5, IIr11, IIv14
zncbyl [zanǰabīl] "زنجبیل" A12
zwᵒhr [zōhr] "زور،نیرو" IIr1.
→ Sundermann1974: 444 n. 32; Nyberg 1974: 232; Shaked 2003: 217.
zwz "زوز (واحد اندازه‌گیری)" A4, A8, A11, A13❋, D1❋, C6❋, C11, C13, C14•. اختصار سریانی.

اعداد

3 – C11 (x2)
100(?) – C9

واژه‌های ناقص(مرتب شده بر اساس پایان واژه)

]'nydr' D7•
]' A11•
]c B1
]bwd C12
]d D5•
]'m'rg A3
nk B12•

]b•gm B7*
]ṁn A9
]dr D3
]r A4, A10*
]dr'ws C5
]xwš C1*
]'y'y B10*
]wzy D2
]y C3* ,C9*

یادداشت‌ها

۱. نک. تصاویر ۱-۳؛ از مسئولین مؤسسه‌های مرتبط در برلین، که اجازه انتشار عکس‌های زیر را دادند متشکرم: MIKIII/IZ (موزه هنرهای آسیایی- مجموعه هنرهای جنوب، جنوب شرقی و آسیای مرکزی، موزه ملی برلین) و ۱۵۳ SyrHT (فرهنگستان علوم براندنبورگ برلین در کتابخانهٔ دولتی برلین، فرهنگ پروسی، گروه شرق‌شناسی) و نیز از همسرم Ursula برای آماده کردن عکس ها، سپاسگزارم.

۲. مقایسه کنید با: .Bloemendaal 1960: 85–6, 91

۳. نک. .Sundermann 1974: 448

۴. مقایسه کنید با: زبور منتشر شده در پایان هر جلد از ویراست ḥudrā در Trichur (Darmo,1960-62).

۵. برای ادامه مطلب، مقایسه کنید با:.Sundermann 1974: 448–52

۶. حروف ṣadhe و ḥth به ترتیب با <c> و <ḥ> (به جای <ṣ> و <ḥ> حرف نویسی شده است تا با کلمات semkath و he اشتباه نشوند.

۷. نک. Henning 1958: 79 و Sundermann 1974: 451. with n. 57

۸. نک. .Sims-Williams 1995: 62–3

۹. پیشتر. Müller1915:216

۱۰. Sundermann 1974: 450–51. برای واکبر کردن sāg(hā)<sāg ، زوندرمان املای xlg متون مانوی را برای xalg "خلقِ" عربی-فارسی به کار می‌برد.

۱۱. احتمالاً، zlamā qašya بدون یوذ (فقط در واژهٔ " $b^{ā}$'$ß^{e}l$ بابل") برای [ĕ] کوتاه و [y^{i}] آغازی بدون الف پیشین [فقط y^{i} [-i] نقش‌نمای اضافی و صورت‌های صرفی istāδan :"ایستادن") برای [ĭ] کوتاه باقی مانده است، اما نمونه‌ها اندک و نامعلوم‌اند. (¨)syāme و (¨)zala zlāmā pšiqā تنها در متن سریانی دیده شده‌اند.

۱۲. (IIr19) $t^{a}rs^{ā'a}n$ [tarsā'ān] موردی استثناست که در آن الف جداگانه احتمالاً برای نشان دادن دو واکه باقی مانده است.

۱۳. مقایسه کنید با: .Segal 1953: 26

۱۴. علائم قراردادی مقاله عبارت‌اند از: [xyz] = حروف کاملا تصحیح شده است؛ (xyz) = حروف معلوم اما ناخواناست؛ (*xyz*) نشانه‌ها سازگار با قرائتی است که پیشنهاد شده است؛ <xyz> = حروفی که در درجه دوم اهمیت قرار داشته و کاتب اضافه کرده است؛ ...= حروف نامشخص است.

۱۵. در سراسر متن، این حرف به صورت جداگانه نوشته شده است و k پایان واژه نیست.

۱۶. در حاشیه بیرونی: "6 petgām" o pto wo

۱۷. (r) اول بدون نقطه گذاری نوشته شده است درحالی که احتمالاً باید نقطه داشته باشد.

۱۸. نشانه‌هایی در پشت صفحه با جوهر قرمز در حاشیه بیرونی .

۱۹. در حاشیه بیرونی : "6 petgām" o pto wo

۲۰. به جای "...mm (که در آغاز خط ۶ حذف شده، به حاشیه داخلی اضافه شده است).

۲۱. zqāpa با $(-t^{ā'}-)$ نوشته نشده است. درحالی که مولر با -tâ– آوانویس کرده است.

۲۲. از آنجا که فقط در آغاز واژه â با الف نوشته می‌شود، احتمالاً باید واژه‌ای جداگانه خوانده شود.
۲۳. نقطه زیر x را ظاهراً زوندرمان (1974: 443 n. 10) آورده است.
۲۴. فقط سه نقطه در بالای w قرار دارد، که به صورت مثلث (Δ) در آمده است، اما syāme+zqāpā واضح خوانده می‌شود.
۲۵. بالای zmrw، که حذف شده، این واژه اضافه شده است.
۲۶. نقطهٔ بین قسمت‌های بالایی و پایینی -x احتمالاً اتفاقی است.
۲۷. پس از واژهٔ حذف شدهٔ 'lḥ(m) "نان" اضافه شده است (به علت آمدن عبارت 'ẏhb lḥm "نان را می‌دهد"، در زبور قبلی، اشتباه رخ داده است).
۲۸. این بخش از نوشته را زوندرمان خوانده و اصلاح کرده است. اکنون مسلم است که نمی توان واژه را (cwz)g'n "بچه‌ها" خواند.
۲۹. [Sic.]، با zqāpā بالای هر دو s و '.
۳۰. ضربدر حاشیهٔ بیرونی آغاز خط اول پشت صفحه را نشان می‌دهد (ویژگی دست‌نوشته‌های مسیحی ترفان). زیر این قسمت نشانهٔ اختصاری omrmo باقی مانده است که اشاره دارد بر اینکه زبور بعدی نخستین بخش از marmitā جدید است.
۳۱. ظاهراً تغییر یافته شکل -p است.
۳۲. به حاشیه داخلی optoyḥo "18 petgāme" اضافه شده است.
۳۳. بدون شک، این واژه اشتباهاً با رنگ قرمز نوشته شده است.
۳۴. نشانه‌ای بی معنی بالای -d.
۳۵. ظاهراً اصلاح شده ḥdt است.
۳۶. اصلاح شده t– است.
۳۷. نقطه زیر d بسیار کم رنگ است.
۳۸. به علت مبهم بودن ریشهٔ سریانی 'p' درست ترجمه نشده است مقایسه کنید با (Sundermann1974:447-8).
۳۹. همانطور که زوندرمان (1974: 445 n. 35, 446 n. 37) اشاره کرده است، واژه 'm'kwlt "خوردنی،" در خط قبلی، اینجا به اشتباه تکرار شده است، اما ترجمه [k](x)[w](')nand "که گریه می‌کند" با متن سریانی d-qr̈yn مطابق است.
۴۰. ترجمهٔ جمله آخر به اشتباه حذف شده است.
۴۱. همانطور که زوندرمان 1974: 446 n. 39 اشاره می‌کند، مترجم مفهومی نادرست از ریشه سریانی'yd' را به کاربرده است.
۴۲. علت تکرار "syr" راضی، خشنود" مشخص نیست. مقایسه کنید با (Sundermann 1974: 446n. 40).
۴۳. ترجمه فارسی اشاره دارد بر اینکه" 'rpl' مه" قرائت سریانی شرقی واژه باید در متن سریانی خط ۱۶ به جای 'glyd' "یخ" به کاربرده شود و بر اساس متن سریانی غربی اصلاح شود نک .Sundermann .1974: 447 n. 41
۴۴. هر دو قطعه در فرهنگستان علوم براندنبورگ برلین نگه‌داری می‌شود. عکس‌های رنگی با شماره‌های M7340 و n175 در وب‌سایت‌های زیر وجود دارد:

http://www.bbaw.de/forschung/turfanforschung/dta/m/dta_m_0076.html
http://www.bbaw.de/forschung/turfanforschung/dta/n/dta_n0005.html

از این فرصت استفاده و اقرار می‌کنم که این قطعات داروشناختی را چند سال پیش در گروه زوندرمان خوانده‌ام. ایشان اولین کسی بودند که بسیاری از ترجمه‌ها را، که اینجا آورده‌ام، نوشتند. متأسفانه من در یادداشت‌های خود دقیقاً اشاره نکرده‌ام که کدام پانوشت از ایشان و کدام از آنِ من است.
۴۵. Boyce 1960: 13؛ پیش از او Henning 1958: 79.
۴۶. صورت دارای -γ آغازی کاملاً سغدی است درحالی که این صورت با -g آغازی تقریباً فارسی شده است.
۴۷. برای جدول این نشانهٔ عددی نک.: Budge 1913, I: 446 (که با عنوان 'twt' dsymwn «خصوصیت شمعون» شناخته می‌شود). همان.II:525؛ Brock and Taylor 2001: 59.
۴۸. فقط در B12، امکان هرگونه تصحیح (s)] ' وجود دارد.

۴۹ گونه دیگر Maróth 1984: 119–20 . برای کاربرد خون خفاش در جلوگیری از رشد مو نگاه کنید به Budge 1913, II: 691.

۵۰ یا ?[qūlin]] این مورد را زوندرمان پیش‌تر خوانده است (۱۹۷۴: ۴۵۱).

۵۱ این صورت احتمالاً rwynyy در واژه‌نامه MMP قطعه‌ای که هنینگ منتشر کرده، معرفی شده است (1940: 46–7, fragment o, line 5). معادل سغدی آن rwδnyy احتمالاً صفتی است به معنی "ساخته شده از روی".

۵۲ کل صفحه، به جز حواشی و برخی نقطه گذاری‌ها.

۵۳ d در واژه wqdr و r در واژه پایین یک نقطه واحد دارند.

۵۴ درون حاشیه در دو خط: ... rwğny_|..xrbwz ....

۵۵ با- ğ آغازی [sic].

۵۶ احتمالاً به صورت m'n] تصحیح می‌شود. نقطهٔ پایینی از بین رفته، زیرا کاغذ از همین قسمت پاره شده است.

۵۷ درون حاشیه در دو خط: rwğny...cmlfr'š....

۵۸ خطوط ۲-۱و حواشی با جوهر سیاه، خطوط ۳-۱۲ کاملاً با جوهر قرمز بدون نقطه‌گذاری‌ها.

۵۹ احتمالاً بر اساس خط ۴ به wqwlncr' تصحیح می‌شود.

۶۰ احتمالاً m'lycr'

۶۱ درون حاشیه در دو خط: ...... rwy'ny ... | rwğny

۶۲ نقطه‌ای که انتظار می‌رفت زیر d اول باشد، اشتباهاً زیر r گذاشته شده است (در بالا، نقطه صحیح گذاشته شده است).

۶۳ یا ryn]'(s) «20»

۶۴ حرف افتاده احتمالاً الف نیست. بسیاری از حروف مشخص‌اند.

۶۵ احتمالاً هیچ حرفی در آغاز نیفتاده است.

۶۶ لفظاً «[برای آن‌هایی] که (kē) وجود دارد (buwaδ)...؛ kbwd قطعاً برای "آبی" آمده‌است.

۶۷ از آنجا که "gōlī حب/قرص" (در D11) ظاهراً مناسب با متن نیست، gwly را اینجا به معنی gul-i "گل" (بنابر آنچه شائول شاکد (Shaul Shaked) پیشنهاد کرده است) به کار بردم. نقطه گذاری پس از نقش‌نمای اضافه تا حدی شگفت‌انگیز است، اما پیش از این نیز نمونه‌هایی این چنین در D3 و C2 دیده شده است.

۶۸ برای ساختار "ān-ī آنِ" نک. Shaked 2003: 208.

کتاب‌نامه

- Benveniste, É. 1938. "Sur un fragment d'un psautier syro-persan", Journal Asiatique,230, 458–62.
- Bloemendaal, W. 1960. The Headings of the Psalms in the East Syrian Church. Leiden.
- Boyce, M. 1960. A Catalogue of the Iranian Manuscripts in Manichean Script in the German Turfan Collection. Berlin.
- Brock, S. P. and D. G. K. Taylor. 2001. The Hidden Pearl, I. Rome.
- Budge, E. A. W. 1913. Syrian Anatomy, Pathology and Therapeutics or "The Book of Medicines", I–II. London.
- Ciancaglini, C. A. 2008. Iranian Loanwords in Syriac. Wiesbaden.
- Darmo, T. 1960–1962. Ktābā da-Qdām wad-Bātar wad-Ḥudrā wad-Kaškol wad-Gazzā w-Qālā d-'Udrāne 'am Ktābā d-Mazmure, I–III. Trichur.
- Henning, W. B. 1940. Sogdica. London.
- Henning, W. B. 1958. "Mitteliranisch", Handbuch der Orientalistik (ed. B. Spuler), I/ IV/1. Leiden and Cologne, 20–130.
- Henning, W. B. 1965. "A grain of mustard", Annali dell' Istituto Universitario Orientale di Napoli, Sezione linguistica, VI, 29–47.
- Lazard, G. 1963. La langue des plus anciens monuments de la prose persane. Paris.

- MacKenzie, D. N. 1968. "An early Jewish-Persian argument", BSOAS, 31/2, 249-69.
- Maggi, M. 2003. "New Persian glosses in East Syriac texts of the eighth to tenth centuries",in Paul 2003, 111-45.
- Maróth, M. 1984. "Ein Fragment eines syrischen pharmazeutischen Rezeptbuches aus Turfan", AoF, 11/1, 115-25.
- Maue, D. and N. Sims-Williams. 1991. "Eine sanskrit-sogdische Bilingue in Brāhmī", BSOAS, 54/3, 486-95.
- Müller, F. W. K. 1915. "Ein syrisch-neupersisches Psalmenbruchstück aus Chinesisch-Turkistan", Festschrift Eduard Sachau zum siebzigsten Geburtstage gewidmet von Freunden und Schülern (ed. G. Weil). Berlin, 215-22.
- Nyberg, H. S. 1974. A Manual of Pahlavi, Part II. Wiesbaden.
- Paul, L. (ed.) 2003. Persian origins – Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian. Wiesbaden.
- Rachmati, G. R. 1932. "Zur Heilkunde der Uiguren II", SPAW, phil.-hist. Kl., 1932, 401–48.
- Salemann, C. 1895. Abdulqâdiri Bağdâdensis Lexicon Šahnâmianum, I/1. St Petersburg.
- Schaeder, H. H. 1935. "Beiträge zur iranischen Sprachgeschichte", Ungarische Jahrbücher, 15, 560-88.
- Segal, J. B. 1953. The Diacritical Point and the Accents in Syriac. London.
- Shaked, S. 2003. "Early Judaeo-Persian texts with notes on a commentary to Genesis", in Paul 2003, 195-219.
- Sims-Williams, N. 1985. The Christian Sogdian Manuscript C2 (Berliner Turfantexte, XII). Berlin.
- Sims-Williams, N. 1995. "Christian Sogdian texts from the Nachlass of Olaf Hansen, I: Fragments of the Life of Serapion", BSOAS, 58, 50-68.
- Sundermann, W. 1974. "Einige Bemerkungen zum syrisch-neupersischen Psalmenbruchstü [c] k aus Chinesisch-Turkistan", Mémorial Jean de Menasce (ed.Ph. Gignoux and A. Tafazzoli). Louvain, 441-52.
- Wolff, F. 1935. Glossar zu Firdosis Schahname. Berlin.